

شرایط ازدواج زنان و سکونت در اراض اقدس

نقش پدران در رشد اعتماد به نفس دختران



نقش مهم خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی در رشد انسان بر کسی پوشیده نیست...

شهر بانو



هنرهای زنانه و کسب و کارهای اینستاگرامی

این روزها شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام و اینستاگرام در کنار همه مزیای و معایب خود، تأثیر فراوانی بر کار آفرینی و شکل‌گیری کسب و کارهای جدید داشته‌اند. شبکه‌های اجتماعی فضاهایی هستند که در آن‌ها افراد می‌توانند با...

طعم زندگی با خوشه گندم ۵ هزار ساله

گفت‌وگو با سمانه سلیمان نژاد، معین اقتصادی و فرهنگی جوان در روستاهای مرکزی رشت‌خوار که ایده‌های ناب‌ی برای توانمندسازی زنان دارد

۱۴

طعمه (از نگاه) ویرانگر

عکس: محمد بهمن‌پور/ان‌شیراز



۲

زندگی با ماسک

تقریباً همه در حال درازیدن در بانک هستند چون صدا به صدا نمی‌رسد! پس از چندبار که بلندبلند و با ایما و اشاره خواسته خود را مطرح کردم، بالاخره متصدی تا اندازه‌ای متوجه منظوم‌شد و در نهایت عذرخواهی کرد که این ماسک‌ها اجازه نمی‌دهند صحبت‌ها درست منتقل شود. شاید اگر وقتی دیگر بود، ارباب رجوع به کمک می‌آمدند و همه تلاششان را می‌کردند که منظور من را به کارمند بانک توضیح بدهند! با خودم فکر کردم ماسک، شیلد، حایل، صداهای درهم و فریادهای بلند و ... پس حق داشت.

وارد داروخانه می‌شوم. شیشه‌های بلند، ماسک‌های روی صورت، شیلد و لباس‌های ایروژه چیزهایی است که این روزها همه‌جا به چشم می‌خورد. دوباره داستان تکراری نشنیدن صدای ارباب رجوع و بلند حرف زدن و عذرخواهی داروخانه‌چی بابت اینکه این ماسک‌ها اجازه نمی‌دهند صدا راحت شنیده شود! او هم حق داشت. روزی که گوشی‌های هوشمند وارد زندگی ما شد، عده‌ای خوشحال و راضی بودند و عده‌ای دیگر ناراضی! برخی افراد ناراضی سعی کردند از این واقعیت فرار کنند. استدلال آن‌ها این بود که این گوشی‌ها زندگی را مختل و آدم‌ها را از همدیگر دور می‌کند و ما دیگر به دنیای قبل از فناوری باز نخواهیم گشت. چه بخوایم چه نخواهیم، فناوری وارد همه وجوه زندگی شده است. فناوری در هوا، آموزش، کسب و کار، الکترونیسته، ارتباطات، بانک‌ها، مسافرت و تقریباً همه‌جا را انسجیر کرده و در واقع، عادت‌های ما تغییر یافته است. حالا صبح‌ها قبل از باز شدن چشمانمان، کنار تخت خود دنبال گوشی‌هایمان می‌گردیم و پیش از خارج شدن از تخت خواب، نگاهی به اخبار و مطالب درون

دکتر سمانه پورمحمد

پژوهشگر ارتباطات و رسانه

(پرتو)

کرونا باری مضاعف بر دوش زنان

یازدهم مارس ۲۰۲۰ میلادی که سازمان بهداشت جهانی کووید ۱۹ را از این تحول، نه تنها سطوح کلان و ساختارهای اساسی ملی و بین‌المللی بلکه حتی شیوه زندگی روزمره شهروندان به‌ویژه زنان تغییر کرد. با گسترش ویروس کرونا، بلندگوهای دولت‌ها در سراسر جهان، شهروندان را به ماندن در خانه ترغیب، تشویق و حتی تهدید کردند. «خانه» به طور سنتی جایی است که زنان اداره آن را بر عهده و در کانون آن قرار دارند و مانند اجباری اعضای خانواده در خانه، به معنای افزایش ساعت کار خانهداری برای زنان محسوب می‌شود. اما این همه ماجرا نیست.

درد، «طرح جمعیت و تعالی خانواده» بر مبنای چنین پنداشت‌هایی در یازدهم خردادماه مطرح شد. در دلایل توجیهی این طرح، «افزایش نرخ باوری همراه با ارتقای کیفی جمعیت» هدف اصلی ذکر شده است. این طرح در ۴ فصل و ۳۷ ماده ارائه شده که به کاهش سن ازدواج، کاهش میزان طلاق و حمایت از فرزندآوری پرداخته است. با توجه به افزایش نرخ افراد مجرد قطعی در جامعه، بر مبنای نظرات نمایندگان مجلس، لازم است آموزش و پرورش، صداوسیما، مراکز آموزش عالی و سایر نهادهای مربوط به «نهادینه کردن خانواده»، «ترویج فرهنگ ارزش دانستن ازدواج و فرزندآوری» و «فرهنگ‌سازی مسئولیت‌پذیری برای تشکیل و تعالی خانواده» همت کنند. قوه قضائیه و شورای عالی اجتماعی کشور نیز بر مبنای این طرح مکلف شده‌اند با شناسایی عوامل وقوع طلاق، آسیب‌شناسی قضایی و اجتماعی و فراهم کردن زمینه برای ارائه مشاوره‌های لازم در زمینه کاهش میزان طلاق اقدامات مؤثری انجام دهد. افزون بر این، لازم است در حمایت از فرزندآوری زنان شاغل، ضمن حفاظت از امنیت شغلی آن‌ها، به مقوله‌هایی همچون مرخصی‌های زایمان و در نظر گرفتن تسهیلاتی برای زنان باردار



(یادداشت) دکتر محدثه جزایی

دبیر شاخه علوم سیاسی خراسان رضوی

آموزش در سراسر دنیا مهم‌ترین ابزار برای توانمندسازی دختران و زنان و برای محافظت از آنان در برابر تعدی به حقوق انسانی‌شان است. سرمایه‌گذاری بر آموزش زنان و دختران می‌تواند زندگی‌هایی را متحول کند یا حتی نجات دهد. آموزش یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای دستیابی به تغییرات مثبت و پایدار در متفاوت است. به طور مثال، در برخی مناطق، در خانواده‌هایی که از فقر رنج می‌برند، هنگام سرمایه‌گذاری بر مسئله آموزش، ممکن است فرزند پسر در اولویت قرار بگیرد یا در نقاطی، مدارس قادر به تأمین نیازهایی چون امنیت، بهداشت و درمان برای دختران نباشند و در برخی دیگر، محتوای آموزشی به گونه‌ای باشد که به شکاف جنسیتی موجود دامن بزند. شکاف جنسیتی در بسیاری مناطق، مواردی چون دسترسی به آموزش، مهارت‌های یادگیری و تداوم تحصیل را هدف قرار داده و اغلب متوجه دختران است، اگرچه در برخی نقاط پسران را نیز شامل می‌شود. با وجود پیشرفت‌های به دست آمده، همچنان دختران بیش از پسران از تحصیل محروم می‌مانند (طبق آمار یونسکو، ۱۶ میلیون دختر در جهان هیچ‌گاه نخوانده‌اند). از این تعداد ۳۴.۲ میلیون نفر در حدود سنی پیش‌دبستانی، ۳۰ میلیون نفر در حدود سنی راهنمایی و ۱۷.۴ میلیون نفر در حدود سنی دبیرستان هستند و دختران ساکن در کشورهای جنگ‌زده، بیش از ۲ برابر دختران دیگر مناطق از تحصیل محروم می‌مانند. از طرف دیگر، تنها ۶۶ درصد از کشورهای جهان به برابری جنسیتی در مقطع تحصیلات ابتدایی دست پیدا کرده‌اند. در مقطع متوسطه و بعد از آن، این شکاف به طرز چشم‌گیری بیشتر می‌شود. این اتفاق

می‌تواند علل متعددی داشته باشد. فقر، انزوای جغرافیایی، قرار گرفتن در میان گروه‌های اقلیت جامعه، ناتوانی، ازدواج زودهنگام، بارداری زودهنگام، خشونت مبتنی بر جنسیت و رفتارهای متحرانه نسبت به نقش زنان در جامعه از موانع پیش‌روی برخورداری تمام و کمال زنان و دختران از حق تحصیل و آموزش است. این موانع در طول جوامع و کشورها متفاوت است. به طور مثال، در برخی مناطق، در خانواده‌هایی که از فقر رنج می‌برند، هنگام سرمایه‌گذاری بر مسئله آموزش، ممکن است فرزند پسر در اولویت قرار بگیرد یا در نقاطی، مدارس قادر به تأمین نیازهایی چون امنیت، بهداشت و درمان برای دختران نباشند و در برخی دیگر، محتوای آموزشی به گونه‌ای باشد که به شکاف جنسیتی موجود دامن بزند. شکاف جنسیتی در بسیاری مناطق، مواردی چون دسترسی به آموزش، مهارت‌های یادگیری و تداوم تحصیل را هدف قرار داده و اغلب متوجه دختران است، اگرچه در برخی نقاط پسران را نیز شامل می‌شود. با وجود پیشرفت‌های به دست آمده، همچنان دختران بیش از پسران از تحصیل محروم می‌مانند (طبق آمار یونسکو، ۱۶ میلیون دختر در جهان هیچ‌گاه نخوانده‌اند). از این تعداد ۳۴.۲ میلیون نفر در حدود سنی پیش‌دبستانی، ۳۰ میلیون نفر در حدود سنی راهنمایی و ۱۷.۴ میلیون نفر در حدود سنی دبیرستان هستند و دختران ساکن در کشورهای جنگ‌زده، بیش از ۲ برابر دختران دیگر مناطق از تحصیل محروم می‌مانند. از طرف دیگر، تنها ۶۶ درصد از کشورهای جهان به برابری جنسیتی در مقطع تحصیلات ابتدایی دست پیدا کرده‌اند. در مقطع متوسطه و بعد از آن، این شکاف به طرز چشم‌گیری بیشتر می‌شود. این اتفاق

*از نلسون ماندلا

نقش پدران در رشد اعتماد به نفس دختران

چگونه پدران می‌توانند به رشد شخصیت دخترانشان کمک کنند؟



عصمت یوسف‌زاده
کارشناس ارشد مشاوره

نقش مهم خانواده به عنوان کوچک ترین واحد اجتماعی در رشد انسان بر کسی پوشیده نیست، نقشی دشوار و حساس برای پرورش استعدادهای جسمانی و روحانی فرزندان و جلوگیری از کج‌رفتاری‌ها. در این واحد کوچک که نخستین محیط تربیتی است و اولین، عمیق‌ترین و مؤثرترین دل‌بستگی‌ها در آن ایجاد می‌شود، مادران نقشی اساسی در رشد روابط اجتماعی فرزندان دارند و نمی‌توان انکار کرد که مادری مستقل، توانمند، مسئولیت‌پذیر، منحصر به فرد، ارتقا دهنده و شاد محور اصلی یک خانواده موفق است. برای اینکه چنین ویژگی‌هایی در نقش‌های همسری و مادری یک زن محقق شود، آموزش، مشاوره و گفت‌وگو مؤثر و ضرور است، اما نه به اندازه کافی و نه به تناسب هزینه و زمانی که صرف این آموزش‌ها در دوره‌ای از زندگی که شخصیت‌ها شکل گرفته است و تغییر رویه مستلزم انرژی مضاعف است. لازم است خانواده‌ها بیاموزند چه کنند تا این ویژگی‌ها در جریان پرورش دختران در شخصیت آن‌ها نهادینه شود، آموزش برای پرورش دختران تا زمانی باشند که نیازها و حقوقشان را بشناسند، در عین حال به خود و دیگران احترام بگذارند و متناسب با ذات آفرینشان، موجب آرامش مردان و زنان خانواده و جامعه و سبب‌ساز تعالی هستند.



عاطفی و اجتماعی را تجربه نمی‌کنند. این دختران قوی، باثبات و باهوش هستند و توانایی سازگاری با شرایط را دارند. آن‌ها به خانواده احترام می‌گذارند. ارتباطات شخصی‌تی خاص فرزندان، مقتضیات محیط و ویژگی‌های فعلی جامعه، مطابق با تعصبات و فرمول‌های از پیش تعیین‌شده رفتار نمی‌کند. خانواده سالم همراه با ارتباط سازنده بین والدین و فرزندان، درباره نیازهای فرزندان در سنین مختلف دانش کافی دارد و تفاوت روحیات و خصوصیات فکری و ذهنی دختر و پسر را درک و درباره تفاوت‌ها مطالعه می‌کند. خانواده سالم فرصت یادگیری و تجربه برای دختران فراهم می‌کند و در ضعف‌ها آن‌ها را سرزنش نمی‌کند. دختران در چنین خانواده‌هایی خلأ عاطفی و اجتماعی را تجربه نمی‌کنند. این دختران قوی، باثبات و باهوش هستند و توانایی سازگاری با شرایط را دارند. آن‌ها به خانواده احترام می‌گذارند. ارتباطات شخصی‌تی خاص فرزندان، مقتضیات محیط و ویژگی‌های فعلی جامعه، مطابق با تعصبات و فرمول‌های از پیش تعیین‌شده رفتار نمی‌کند. خانواده سالم همراه با ارتباط سازنده بین والدین و فرزندان، درباره نیازهای فرزندان در سنین مختلف دانش کافی دارد و تفاوت روحیات و خصوصیات فکری و ذهنی دختر و پسر را درک و درباره تفاوت‌ها مطالعه می‌کند. خانواده سالم فرصت یادگیری و تجربه برای دختران فراهم می‌کند و در ضعف‌ها آن‌ها را سرزنش نمی‌کند. دختران در چنین خانواده‌هایی خلأ عاطفی و اجتماعی را تجربه نمی‌کنند.

مثل آرایش و جواهرات ... نیستند. در تربیت دختران، اعتماد به نفس و پوشش خلاهای عاطفی نقش مهمی دارد. این ویژگی‌ها سبب می‌شوند دختران انرژی خود را بیشتر صرف موفقیت کنند نه صرف گرایش عاطفی به جنس مخالف. در این امر مهم، پدران تعیین‌کننده و نوعی تأیید برای دختران هستند. پدر اولین مردی است که دختر در زندگی‌اش می‌شناسد و به او ابراز علاقه می‌کند و رفتارش برای دختر اهمیت خاصی دارد. دختران پدرانیه که به ابراز علاقه دخترشان درست پاسخ می‌دهند و انتقاد نمی‌کنند، تصور درستی از علاقه به جنس مخالف دارند و نیازهایشان را می‌شناسند، و برای دریافت محبت به هر گریه‌ای وابسته نمی‌شوند.

➤ آگاهی از عوامل مؤثر بر رشد خانواده سالم بر پایه آگاهی عمل می‌کند. پس از تأثیر ژنتیک، بیا تولد کودک، تأثیر محیط بر رشد او افزایش می‌یابد. اینکه والدین چه اندازه سخت‌گیر یا مهربان‌اند، چه مقدار وقت صرف فرزندان می‌کنند، چه تعداد خواهر و برادر دارند و نظام رفتاری حاکم بر آن‌ها بر چه پایه‌ای است، والدین چگونه احساسشان را ابراز می‌کنند، و عوامل محیطی متنوع دیگری که باید از سوی والدین از حیث اثرشان و چگونگی مدیریت آن‌ها شناسایی شوند. کودکان و نوجوانان در سنین مختلف عواطف و احساسات ویژه‌ای دارند مثل امنیت یا احساس ناامنی، تردید، احساس گناه در نقش‌ها یا بروز خلاقیت، اعتماد به نفس یا حقارت، حسادت، ترس

نقشیه زمانی
کارشناس ارشد پژوهش هنر

صدف

رودابه و زال

نگاهی به زنان در شاهنامه

یکی از داستان‌های مشهور شاهنامه دل‌بستگی زال و رودابه است. این داستان به دوره پادشاهی «منوچهر» برمی‌گردد (نژاد منوچهر به ایرج، فرزند فریدون، می‌رسد). زال پهلوان نامدار ایرانی است. زال و پدرش، سام، بر سیستان حکمرانی می‌کردند. روزی زال قصد سفر به کابل کرد. پادشاه کابل مهراب نام داشت. مهراب را همسری بود سیندخت نام، و دختری به نام رودابه. چون خبر رسیدن زال به مهراب رسید، سوی زال رفت و او را به کاخ خود دعوت کرد. از آنجا که زال یکتاپرست و مهراب بت‌پرست بود،

زال از ترس دلگیر شدن پدر، دعوت را نپذیرفت. مهراب در اندرونی خود، نزد همسر، خوبی‌های زال را برشمرد. چو بشنید رودابه آن گفت‌وگو/ برافروخت و گلنارگون کرد روی رودابه دل‌داده زال شد. او را دل پیش کنیزانش برد و آنان در برآوردن حاجت دل شاهدخت خویش، به بهانه چیدن گل، رو به سوی خیمه‌گاه زال رفتند. در آنجا زال را دیدند. احوال او را مقربان او پرسیدند و بسیار تعریف شنیدند و در مقابل، از شاهدخت خود، رودابه، و خوبی‌ها و زیبایی‌های او گفتند. خبر مذاکره آنان پیش زال برده شد. زال نزد آنان رفت و کنیزان مزده دیدار رودابه را به او دادند. از این طرف هم نزد رودابه رفتند و وصف خوبی‌های زال کردند. که مردی است برسان سرو سبزی/ همش زیب و هم فر شاهنشاهی وقت دیدار فرا رسید. شب‌هنگام، کنیزی که سمت زال رفت و او را به کاخ رودابه دعوت کرد. زال به کاخ رسید. رودابه از بالای کاخ، زال را نظاره کرد و چون زال رودابه را دید، او نیز دل‌بسته رودابه شد. با او سخن گفت و بازگشت. با خداوند یکتا راز و نیایش کرد و

رو به خدا گفت: جهان را فرایش ز جفت آفرید/ که از یک فروزی نیامد پدید و بعد نامه‌ای به سوی سام، پدرش، فرستاد و ابتدا از سرگذشت سختی که در کودکی سپری کرده بود تا به خانواده خود بازگشت، سپس حرف دل خود را بازگو کرد. سام نگران شد و از ستاره‌شناسان چاره‌جویی کرد. آنان سام را فرمودند: تو را مژده از دخت مهراب و زال/ که کردند هردو دو فرخ همال او را مژده دادند که از پیوند این ۲، فرزندی پهلوان صفت زاده خواهد شود. گرچه به‌سختی اما فرجام کار رودابه و زال به خواست میلشان پیش رفت. پس از گذشت مدتی از این وصلت، رودابه که باردار بود ناخوش احوال شد. سرنوشت زال که از همان شیرخوارگی با سیمرغ پیوند خورده بود، طبق پیمان میانشان، پری از سیمرغ را سوزاند تا سیمرغ نزد زال رود. زال اندوه خود و حال رودابه را به سیمرغ گفت. سیمرغ راه به دنیا آمدن طفل را برخلاف معمول و از راه شکافتن پهلو دانست. برای بهبودی زخم نیز مرجمی تجویز کرد. نوزاد را همان‌طور که سیمرغ فرمود به دنیا آوردند.

الهام یوسفی
فعال فرهنگی

شهرزاد

یادداشت‌های روزانه یک زن معمولی

همه ما داستانی در زندگی داریم. گاهی داستان ما ساده و یک‌خطی است و گاهی داستان‌هایمان پیچیدگی‌هایی دارد. اما باید اعتراف کنیم که زندگی اغلب ما به طرز رقت‌انگیزی معمولی و پیش‌پا افتاده است. اگر به این زندگی ساده و معمولی‌مان فکر کنیم، هیچ شباهتی بین آن و رمان‌ها و داستان‌های عاشقانه و پر از حادثه پیدا نمی‌کنیم. اما اگر خوب دقت کنیم و در جزئیات زندگی‌مان دقیق شویم، خواهیم دید که همه ما یک داستان منحصر به فرد داریم، حتی اگر داستان‌های عاشقانه عجیب و غریب در آن نباشد، حتی اگر حوادث نفس‌گیر در آن روی ندهد. اما اگر بخواهید قصه‌تان را روایت کنید، قضیه فرق می‌کند. از خودتان می‌پرسید چه چیزی در این زندگی قابل روایت است. وقتی یک زن در جایگاه یک راوی می‌نشیند و می‌خواهد قصه خود را روایت کند، همه چیز عوض می‌شود. از زاویه دیگری به زندگی‌اش نگاه می‌کند و خوب که می‌نگرد، دیگر هیچ چیزی آن‌گونه که گمان می‌کرده است معمولی نیست. احساسات و عواطف او عمیق‌ترین بخش‌های زندگی‌اش را تشکیل داده‌اند. گاهی او را به شدت آسیب‌پذیر کرده‌اند و گاهی خوشی‌ها و لذت‌های شیرینی را برای او رقم زده‌اند و همه این‌ها کنار هم داستان او است. وقتی یک زن بخواهد زندگی‌اش را بنویسد، تازه می‌فهمد چقدر درگیر پنهان کردن خود و احساسات خود است. آنجاست که می‌تواند ناگهانی‌ها و رنج‌های خود را بهتر ببیند. سیمون دوبوار، نویسنده فرانسوی که همه او را با

کتاب مشهورش «جنس دوم» می‌شناسند، رمان و داستان‌های زنانه بسیار خوبی دارد. یکی از آثار او داستان بلند «وانهاده» است، یکی از همان داستان‌های ظاهراً نخب‌نمای زنانه که وقتی به قلم می‌آید، دیگر نمی‌توان به آن یک داستان معمولی لقب داد. اگرچه می‌توان این داستان بلند را در یک پاراگراف برای شخصی که مشتاق شنیدن آن است تعریف کرد، نمی‌توان درد و رنج پنهان در داستان را در یک پاراگراف توصیف کرد. «وانهاده» داستان یک زن است. در داستان سیمون دوبوار، آنجایی که از بی‌برنامگی یک زن صحبت می‌کند، قصه برای ما بسیار بسیار آشناست. شخصیت اول داستان زنی خانه‌دار است که ۲ دختر خود را بزرگ کرده است و اکنون با همسر خود دوره میان‌ساله‌ای را می‌گذرانند. دختر بزرگ او ازدواج کرده و دختر کوچکش برای تحصیل به خارج رفته است. زن

در حال نوشتن یادداشت‌های روزانه است، یادداشت‌های روزانه یک زندگی معمولی که قرار است از آن به بعد معمولی‌تر هم باشد، اما در آرامش. در میان همان یادداشت‌هاست که به خیانت همسرش پی می‌برد و به یک آشفتگی قدم می‌گذارد. این در حالی است که نمی‌خواهد موضوع را بپذیرد و مدام در پی انکار آن است و تلاش رقت‌باری می‌کند که خود را در بازی بی‌سرانجامی بیندازد، در یک گفت‌وگوی درونی و جان‌کدنی بیپه‌وده برای حفظ وضع موجود. خب! قصه همین است. زن نمی‌تواند کاری بکند. او در همه عمر، زندگی‌اش را در رابطه با همسر و فرزندانش تعریف کرده است و به نظر می‌رسد قدرتی برای اتکا به خود ندارد. پایان قصه هم تأمل‌برانگیز است و آن گونه که پیش‌بینی می‌کنیم و انتظار داریم تمام نمی‌شود. دوبوار می‌خواهد به واسطه

وانهاده

سیمون دوبوار
رمان

وانهاده

نویسنده: سیمون دوبوار
● نشر: مرکز

ایران‌دخت

شرایط ازدواج
زنان و سکونت
درارض اقدس



غلامرضا آذری شاکسری
گزارش‌رویگر راجع



در هریک از مناطق ایران آداب و رسوم ازدواج متفاوت و تابع شرایط اقتصادی و اجتماعی آن نواحی است. در گزارش‌های تاریخی نیز به تکرار از خواستگاری و ازدواج روایت‌هایی بیان شده است. در این میان، عقدنامه‌ها به عنوان یکی از معتبرترین اسناد، انعکاس دهنده شرایط خواستگاری، طبقه اجتماعی عروس و داماد و روابط متقابل فرهنگی است. در شهر مشهد نیز همواره ازدواج تابع ضوابط و قوانین عرف و اجتماع بوده است. بررسی تعدادی از عقدنامه‌های منتشرشده شهروندان مشهدی در عصر قاجاریه شایان تأمل و حاوی نکات درخور توجهی است. طبق محتوای عقدنامه‌های قدیمی، حق انتخاب زوجه برای محل سکونت یکی از شرایط مهم ازدواج بوده است به طوری که در تعدادی از عقدنامه‌ها خارج نکردن منکوحه از مشهد مقدس تأکید شده است. حتی در این عقدنامه‌ها شرط شده است زوج حق ندارد بدون اطلاع و رضایت والد زوجه، او را از خانه‌ای که ایشان معین می‌کند به خانه‌ای دیگر ببرد.

سکونت در مشهد یکی از ارکان مهم ازدواج مردمان قدیم این شهر بود. در برخی موارد، شرط ازدواج خارج نشدن دختر از ارض اقدس یا مشهد ذکر شده است. بر اساس محتوای سندی در ربیع‌الآخر ۱۳۴۵ قمری، آقا کر بلائی حسین زرگر با فاطمه خانم، صبیبه آقا کر بلائی عباس سقایی یزدی، ازدواج کرده است و مهریه او ۷۰ تومان وجه نقد، یک زوج گوشواره طلا، یک حلقه انگشتر نگین یاقوت و ... تعیین شده است. در شرایط ضمن عقد آمده است: «ناکح ملتزم شد مدت ۵۰ سال منکوحه را بدون رضایت از حصار بند ارض اقدس مشهد به خارج شهر نبرد.» در عقد نامه‌ای دیگر، تعیین محل زندگی توسط دختر انتخاب شده است. «در شوال ۱۳۱۶ قمری و دوره مظفرالدین شاه، آقا مشهدی محمدعلی ربا به خانم، صبیبه آقا کر بلائی حسین دربان، با مهریه مبلغ ۱۰۰ تومان رایج خزانه عامره که نصف مبلغ تسلیم منکوحه گردید، ماندن در مشهد یکی از شرایط ازدواج بوده است و ناکح ملتزم شد که منکوحه را بدون رضایت او از حصار بند مشهد مقدس بیرون نبرد.»

بررسی عقدنامه‌های قدیمی شهر مشهد نشان می‌دهد مهریه به عنوان موضوعی مهم در عقدنامه‌ها ثبت شده است. در رمضان ۱۳۲۲ قمری آقا مشهدی احمد ترک، ولد آقا اسلام‌علی ترک بادکوبه‌ای، با قمرخانم، صبیبه آقا کر بلائی زین‌العابدین، ساکن ارض اقدس، ازدواج می‌کند و مهریه آن مبلغ ۱۵۰ تومان رایج خزانه عامره بوده است و از جمله شرایط عقد آن عبارت است از اینکه «ناکح به مدت ۵۰ سال منکوحه را وکیل کرد که اگر سفری یا غیبتی برای ناکح اتفاق افتاد و مدت ۲ سال بگذرد و مخارج به قرار ماهی یک تومان به منکوحه نرسد، بعد از ابراء ذمه زوج از نصف مهریه، خود را مطلقه به توکیل غیر نماید.»

در جمادی‌الثانی ۱۲۹۹ نیز میرزا ابوالقاسم، خلف آقا سید محمد خادم آستان متبرک به رضویه، خانم حاجی بی‌بی صغیره حاجی خسرویه ساکن کرمان را با مهریه مبلغ ۵۰ تومان نقد رایج خزانه و یک دانگ از ۶ دانگ خانه واقع در ارض اقدس به عقد خویش درآورده است. مرور عقدنامه‌های قدیمی مشهد نشان از تعلق خاطر شهروندان به این شهر مقدس دارد. در بین خاندان‌های قدیمی، سکونت دائم شرط مهمی برای ازدواج تلقی شده و همواره این مسئله در تعدادی از اسناد بازتاب داشته است.

دختران پدرانیه که در تصمیمات خانواده‌منفعل نیستند، در ارتباط با مردان دچار ترس از مسئولیت نمی‌شوند. وظایف مردانه را می‌شناسند و می‌دانند چه توقعاتی از نقش مردان داشته باشند



(۴)



شهربانو

بسته آموزشی و ترویجی «مدیریت خانواده»



معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده و مرکز آموزش مدیریت دولتی از روز اول مرداد، روز ازدواج، تا ۲۵ همین ماه، هم‌زمان با روز خانواده، دوره‌های آموزشی به شیوه الکترونیک برگزار می‌کند. برای اطلاع از این دوره‌ها به نشانی <http://lms.smtc.ac.ir> مراجعه کنید.